

## تحلیل گفتمان کیفر در آستانه مشروطیت

محمد صادق محمدی قهفرخی\*      غلامحسین الهام\*\*

### چکیده

با آغاز نهضت مشروطیت، مقننین با تصویب قوانین کیفری از یک سو در تلاش برای اقتباس از حقوق کیفری اروپا بودند و از سوی دیگر، مراقب عدم مغایرت این قوانین با احکام فقهی طبق نظر فقها بودند. در عین حال، جلب نظر فقها مبنی بر سازگاری قوانین نوین با فقه برای آنان از اهمیت بسیار برخوردار بود. پرسش مطرح در خصوص مجازات‌های این دوران همچون «مقررات دستورالعمل نظمیه» که معروف به «کتابچه قانونی کنت» است، این است که نخست، چه گفتمان‌هایی در متن کیفرهای این دوره حاضر بوده و دوم، کدام یک از این گفتمان‌ها، گفتمان غالب است. مسئله اصلی پژوهش، تبیین نقش و تأثیر گفتمان‌های حاضر در متن تحولات کیفر در قانون کنت است. در این مقاله با استفاده از روش کیفی تحلیل گفتمان پدام به تحلیل گفتمانی کیفر «مقررات دستورالعمل نظمیه» کنت پرداخته شده است. یافته‌های مقاله بیانگر حضور سه گفتمان «مدرنیسم کیفری»، «سنت کیفری سلطنتی» و «سنت کیفری شرعی» در متن تحولات کیفری این عصر است. البته گفتمان غالب بر تحولات کیفر در این عصر، گفتمان «مدرنیسم کیفری» است که به دلیل نفوذ گفتمان‌های سنتی شرعی و سلطنتی و همچنین بدبینی به مساوات و حریت، عقیم مانده است. تمایز مؤلفه‌های اصلی این سه گفتمان از یکدیگر به این نحو است که مؤلفه‌های اصلی گفتمان «مدرنیسم کیفری»، دموکراتیک شدن، علمی شدن، بازپروری و فایده‌مندی کیفری است. همچنین مؤلفه اصلی گفتمان «سنت کیفری شرعی»، اخلاق‌گرایی کیفری است و مؤلفه‌های اصلی گفتمان «سنت کیفری سلطنتی» هم نابرابری افراد در برابر کیفر و غیر دموکراتیک بودن کیفر است.

**واژگان کلیدی:** اندیشه کیفری، تحلیل گفتمان، دوران مشروطیت، کتابچه قانونی کنت، مدرنیسم کیفری.

\* کارشناس ارشد پیوسته معارف اسلامی و حقوق جزا، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق، تهران، ایران  
m.s.m.gh.73@gmail.com (نویسنده مسئول)

\*\* دانشیار رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران dr.elham@ut.ac.ir  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲      تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۲۱

## سرآغاز

ساختار حکومت در ایران تا قبل از شروع جنبش مشروطه، ساختاری کاملاً استبدادی و خودکامه بود. در گفتمان سیاسی حاکم بر جامعه ایران در دوره ناصری همچون نیاکانش، جایی برای حقوق عامه و مسئولیت شاه در قبال ملت نبود. شاه فقط در برابر خدا مسئولیت داشت و به عبارتی «حرف او قانون» و «قانون حرف او» بود. در نتیجه شکست‌های قبلی حکومت قاجار از حکومت روسیه تزاری همراه با رواج روشنفکری و مشروطه‌خواهی در نیم سده عصر ناصری و اوضاع آشفته و فاسد عدلیه حکومت ناصری، مطالبه عمومی مردم برای حاکمیت قانون در ایران شکل گرفت. حال مزید بر آن، جذابیت تمدن اروپایی برای ناصرالدین‌شاه، خود بسترساز اولین خیزش‌ها برای نگارش قانون در ایران شد.

با ورود کنت دومونت فرت مستشار پلیس به ایران برای طرح تنظیمات نظمیه، اولین قانون به سبک اروپایی در سال ۱۲۸۵ به رشته تحریر درآمد. این قانون که در هجده فصل و ۵۲ ماده که در برگیرنده رفتارهای ضد اجتماعی بود در قالب شاخه‌های علوم جنایی (مانند آیین دادرسی، بزه‌دیده‌شناسی، جرم‌شناسی و جزای اختصاصی) تنظیم شده بود در دوران صدارت سپه‌سالار در عصر معروف به عصر تنظیمات توسط ناصرالدین‌شاه امضا شد. مهم‌ترین نکاتی که از تحلیل قانون «مقررات دستورالعمل نظمیه» برمی‌آید این است که گفتمان مدرنیسم کیفری در کنار دو گفتمان سنت کیفری شرعی و سنت کیفری سلطنتی در متن تحولات کیفر در آستانه عصر مشروطیت حضور داشته‌اند.

این پژوهش از این لحاظ که گفتمان‌های مؤثر در تحولات مجازات‌های عصر منتهی به انقلاب مشروطه را با جستجوی مصادیق متأثر از این گفتمان‌ها در متن قوانین کیفری و مقایسه و نسبت سنجی تأثیر هر یک از گفتمان‌ها را در دستور کار دارد، پژوهش مهمی برای محققان حوزه کیفرشناسی است. در خصوص پیشینه پژوهشی که در این حوزه انجام شده است، می‌توان به دو پژوهش مهم اشاره کرد؛ در پژوهش اول

با عنوان «حقوق جنایی و جرم‌شناسی در آیین کتابچه قانونی کنت»، تألیف مهرداد رایجیان اصل (۱۳۹۲)، محقق به تحلیل مفاد کتابچه قانونی کنت از دریچه حقوق جنایی و جرم‌شناسی پرداخته است ولی به گفتمان‌های مؤثر و اندیشه‌های کیفری اثرگذار در تحولات کیفر در این بازه زمانی کاری ندارد. در پژوهش دوم با عنوان «تجزیه و تحلیل اندیشه کیفری در ایران امیرکبیر و پسا امیرکبیر تا دوران پیش مشروطه: مطالعه مقدماتی زایش و نوزایش مدرنیته کیفری در ایران» تألیف اسماء رستمی (۱۳۹۵)، محقق به تبیین چگونگی ظهور تفکر مدرنیته کیفری و علل و عوامل آن، اعمال و اجرای آن در حقوق و قانون کیفری ایران پیش مشروطه از نقطه نظر دیدگاه‌های تاریخی، جامعه‌شناسی حقوق، فلسفه حقوق و سیاست قانون‌گذاری کیفری پرداخته است. البته این پژوهش بیشتر به ره‌گیری علل

اجتماعی و تاریخی زمینه‌ساز ورود مدرنیته کیفری به ایران بدون کوشش برای نشان دادن نمونه‌های ملموس در متن قوانین و نسبت سنجی گفتمان مدرنیته با سایر گفتمان‌ها در متن قوانین پرداخته است.

هدف اصلی این پژوهش، تبیین نقش و تأثیر گفتمان‌های حاضر در متن تحولات کیفر در کتابچه قانونی کنت است. سؤال اصلی که تحقیق حول آن سازمان یافته، این است که در قوانین کیفری دوران مشروطیت همچون قانون کنت، چه گفتمان‌هایی در متن تحولات کیفر حضور دارند. دو پرسش نیز به صورت فرعی مطرح می‌شود: نخست، سهم هر کدام از این گفتمان‌ها در شکل‌گیری کیفر در قانون کنت به چه میزان است و دوم، کدام یک از این گفتمان‌ها، گفتمان غالب بر متن تحولات کیفر در این قانون است.

لازم به ذکر است که ساختار اصلی مقاله پیش‌رو به دو قسم کلی تقسیم می‌شود؛ قسمت اول مقاله به تبیین روش تحلیل گفتمان و قسمت دوم مقاله هم به تحلیل گفتمان «قانون کنت» اختصاص دارد.

## ۱. روش عملیاتی تحلیل گفتمان پدام<sup>۱</sup>

گفتمان، قطعه‌ای از زبان معنا است که محصول ارتباط و تعامل افراد در بافتی اجتماعی - فرهنگی است که اجزای آن به نحوی به هم مربوطاند و هدف خاصی دارند (یارمحمدی، ۱۳۹۳: ۱۲). پیدایش روش تحلیل گفتمان در دهه‌های اخیر در جهت تلاش برای خروج از معنای هژمونیک تحت‌اللفظی و کشف معانی نهفته متن است که نیازمند روشی است که خود دارای کمترین ابهام در جهت کشف معانی باشد. تفاوت بارز این روش با سایر روش‌های تحقیق کیفی، غنای روایی این روش است. غنای روایی از این لحاظ که منجر به ایجاد رابطه میان معنا و واقعیت جهان بیرونی در جهت برون‌رفت از فضای ذهنیت‌گرا شود؛ بنابراین در آثاری که با روش تحلیل گفتمان نگاه‌شسته می‌شود، روش تحقیق بیش از اصل متن باید مورد توجه قرار گیرد. کشف ناگفته‌ها، کشف گفته‌های فراتر از متن است که این ناگفته‌ها وابسته به متن است (بشیر، ۱۳۹۱: ۹). از رایج‌ترین روش‌های تحلیل گفتمان می‌توان به روش ون دایک، روش فرکلاف و روش لاکلو و موف اشاره کرد، ولی همه این روش‌ها از ابهام در بازنمایی نوعی از عینیت به مانند روش‌های تحلیل کمی رنج می‌برند. ولی در روش تحلیل گفتمان پدام<sup>۲</sup>، تحلیل‌گر با نزدیک کردن گفتمان متن با گفتمان‌های دیگر، خود به عنصر اساسی تحلیل تبدیل می‌شود که در اتخاذ این مراحل فرایندی با مرتبط ساختن بینا متنیت‌های متن با بینا متنیت‌های فرا متن به کشف معانی پنهان متن برای خلاص شدن تحلیل از شر ابهام در عملیات و پیدایش تحلیل «من‌درآوردی» می‌شود (بشیر، ۱۳۹۲: ۱۱).

در تعریف بینا متنیت باید گفت که بینا متنیت اشاره به رابطه‌های گوناگون متون از لحاظ صورت و معنا دارد؛ به طریق اولی متون، بافت‌ها و سیاق‌هایی را فراهم می‌کنند که می‌تواند دیگر متون را درون آن‌ها خلق و تفسیر کرد (قائم‌نیا، ۱۳۸۹: ۴۳۶) و «هیچ‌یک از مراحل تحلیل گفتمان حتی‌گزینش اولیه هر متن برای تحلیل، بدون نوعی از بینا

### 1. Practical Discourse Analysis Method

۲. این روش توسط حسن بشیر، هیأت علمی دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع) ابداع شده است.

متنیت نمی تواند تحقق یابد».

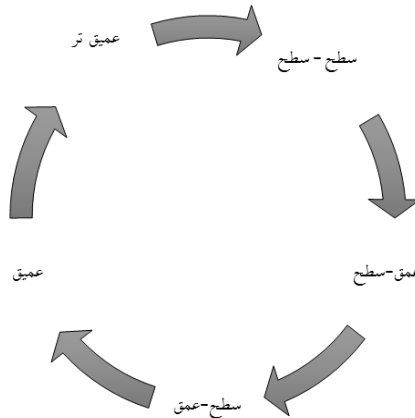
در حوزه تحلیل گفتمان، دو نوع بینا متنیت وجود دارد:

۱. بینا متنیت درون متنی: نوعی از گفتمان درونی تحلیل گر است که در تحلیل متون مختلف مورد استفاده قرار می گیرد؛

۲. بینا متنیت بیرون متنی: نوعی از گفتمان بیرونی تحلیل گر است که روابط محتوای بیرونی با رویکردها، جهت ها و گرایش های متن را مورد شناسایی قرار داده و به تناسب مورد بهره برداری قرار دهد (بشیر، ۱۳۹۱: ۱۲).

در روش پدام، مرحله «توصیف» شامل سه سطح اول روش پدام است؛ مرحله «تفسیر» شامل سطح «عمیق» روش پدام است و مرحله «تبیین» شامل سطح «عمیق تر» روش پدام است.

### نمودار ۱: سطوح پنج گانه روش پدام (PDAM)



#### ۱-۱. مرحله اول: توصیف

توصیف در این روش، توصیف معناهای هژمونیک و ضمنی متن با انتخاب جملات همسو با هدف تحلیل، کشف رابطه میان معناهای مشترک در جملات همگرا

در متن برای استخراج قرائت معنای جملات همسو در متن با سایر معناها از جملات دیگر متن است.

در مرحله «توصیف» بینا متنیت‌ها نقش اساسی ندارد، زیرا در این مرحله حرکت تحلیلی هنوز در داخل متن محصور است؛ هرچند که در این مرحله نوعی از تلفیق میان معناها و هژمونیک و تحت‌اللفظی و معناهای ضمنی ایجاد می‌شود. به علت اینکه اساس مرحله «توصیف» متکی به نوعی از ترتیب عقلانی است که بر اساس متن و فرا متن به تدریج در طی تحلیل انجام می‌گیرد که باعث پیوند دادن معانی به دست آمده از متن و فرا متن در یک فرآیند تحلیلی است که روش «پدام» در پی انجام دادن است. برای تحقق این منظور، جداول مرحله‌بندی شده با یک سری ستون‌ها که نمایانگر حرکت فکری است، ترسیم می‌شود (بشیر، ۱۳۹۰: ۱۰).

#### ۱-۱-۱. ستون اول: برداشت از اصل متن (سطح - سطح)

این ستون در پی قرائت کلی متن است. این ستون نشان‌دهنده نحوه نگاه تحلیل‌گر به متن است که با نوعی گزینش در تلاش برای انتخاب جملاتی است که «دال مرکزی» طبق تشخیص تحلیل‌گر در آن جملات وجود دارد. در این مرحله بار معنایی کلمات و جملات بسیار مورد توجه تحلیل‌گر است. مثال روانی که می‌توان برای مرحله (سطح - سطح) آورد ابیات شعر انتقادی علی معلم دامغانی در قطعه شعر «تطاول» است؛ آنجایی که شاعر می‌گوید:

«دم سموم خزان موزیانه در باغ است به باغبان برسد موریانه در باغ است  
خزان قهر، به عرض ضیافت آمده است به باغبان برسانید آفت آمده است»  
برداشت و قرائت کلی که می‌توان از این ابیات کرد این است که آفات و آسیب‌هایی در جامعه وجود دارد (بشیر و عرفان‌پور، ۱۳۹۷: ۱۱).

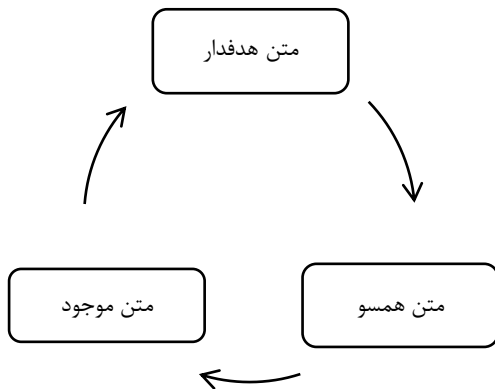
### ۱-۱-۲. ستون دوم: جهت‌گیری و گرایش متن (عمق- سطح)

در حقیقت این ستون در تلاش برای کشف مهم‌ترین و برجسته‌ترین معنایی است که بر اساس گرایش کلی متن در هر جمله، بخشی از آن تجلی می‌یابد. متن در این ستون، قدرت هژمونیک خود را ظاهر می‌سازد و تحلیل‌گر به دنبال ایجاد یک رابطه منطقی میان متن و گرایش‌ها و جهت‌گیری‌های مقطعی از منظر هم‌زمانی است. برای مثال این ستون تحلیل (عمق- سطح) در رابطه با همان ابیات شعر «تطاول» علی معلم دامغانی می‌توان این‌گونه برداشت کرد که این آفات، آفاتی است که از ناحیه دشمنان داخلی در جامعه وجود دارد (بشیر و عرفان‌پور، ۱۳۹۷: ۱۱).

### ۱-۱-۳. ستون سوم: تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن (سطح- عمق)

ستون سوم (سطح- عمق) یک ستون میانی بین معنای مسلط آشکار و معانی پنهان بعدی است. تحلیل‌گر در این مرحله به شناسایی رابطه جهت‌گیری و گرایش‌های موجود در متن‌گزینش شده جملات انتخاب شده با سایر گرایش‌های داخل متن می‌پردازد و معانی به دست آمده را با کل معناهای ضمنی متن مورد قیاس قرار می‌دهد (بشیر، ۱۳۹۲: ۱۴-۱۲). همچنین مثالی که در ادامه همان ابیات شعر «تطاول» در خصوص این ستون ذکر کرد، می‌توان این‌گونه بیان کرد که شاعر منافقین را به آفات جامعه تشبیه کرده است (بشیر و عرفان‌پور، ۱۳۹۷: ۱۱). شیوه انتخاب متن مؤثر گفتمانی در این روش نیز به این‌گونه است که متن موجود قابل‌دسترسی و مرتبط با موضوع کلی پژوهش باید انتخاب شود، سپس متن هدف‌دار که در مورد مسئله پژوهش است گزینش و سپس متن همسو با سؤالات پژوهش انتخاب و تحلیل شود. نمودار شماره ۲ بیانگر این فرایند گزینش متن تحلیل است.

نمودار ۲: حرکت در داخل متن: کشف روابط توصیفی



۲-۱. مرحله دوم: تفسیر (عمیق)

در این مرحله، تحلیل‌گر به ایجاد رابطه معنایی میان متن و زمینه می‌پردازد و دال‌های مرکزی، دال‌های شناور منتج از مرحله قبلی در مقایسه با بینا متنیت‌های درونی و بیرونی برای کشف روابط بین آن‌ها مورد مطالعه قرار می‌گیرد (بشیر، ۱۳۹۰: ۱۲). برای مثالی جهت تقریب ذهن، می‌توان به تبیین دال‌های مرکزی تقنین قوانین در دهه ۱۳۶۰ هجری شمسی - که متأثر از فضای انقلاب اسلامی بود - در ایران اشاره کرد که شامل دال‌های مانند عدالت‌خواهی، اخلاق‌گرایی، استقلال و تفکیک قوا، دموکراسی، احکام و قواعد شرعی می‌شود.

۳-۱. مرحله سوم: تبیین (عمیق‌تر)

در مرحله پنجم، اوج رابطه متن با فرا متن به منصف ظهور می‌رسد. در این مرحله فرض بر این گذارده می‌شود که خالق متن، دیگری است که خود در بطن متن حضور ندارد. فرض بر این است که متن‌های دیگری وجود دارد که خالقان آن‌ها در کنار خالق متن اولیه به خلق آن متون می‌پردازند و در زندگی خود به آن متون معنا می‌بخشند. در



اصل مرحله عمیق‌تر، مرحله تولد مجدد متن و زمینه به همراه فرا متن آن در قرائتی مرتبط، همگرا و متنوع است. در این مرحله روابط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، دینی و هنری فرا متن‌های نظری - عملکردی لازم مورد توجه قرار می‌گیرد (بشیر، ۱۳۹۱: ۲۰).

## ۲. قانون کنت (مقررات دستورالعمل نظمی)

کنت دومونت فرت فرانسوی الاصل پس از مهاجرت به ایتالیا در سیسیل مستقر شد و در سال ۱۸۶۰ میلادی پس از پایان تحصیلات به خدمت امپراتوری اتریش درآمد. او به عنوان مستشار نظامی برای برقراری نظم تهران و برپایی پلیس جدید تهران توسط امپراتور اتریش به ناصرالدین شاه معرفی شد و هم‌زمان عنوان «نظم الملک» را در زمان صدراعظمی سپهسالار کسب کرد. این قانون بعد از طرح تنظیمات نظمی در تاریخ ۱۲۵۸ خورشیدی پس از تهیه توسط کنت دومونت فرت در ۱۸ فصل و ۵۸ ماده به تأیید ناصرالدین شاه رسید (راوندی، ۱۳۶۲: ۲۵۱). مقررات این کتابچه شامل سه محور ۱- آیین دادرسی جنایی (با محوریت پلیس)؛ ۲- حقوق جنایی اختصاصی (طبقه‌بندی جرم-ها و کیفرها) و ۳- مفهومی‌ها و نظریه‌های جرم‌شناسی و بزه دیده‌شناسی می‌شود (رایجیان اصل، ۱۳۹۲: ۶۸۹).

## ۲-۱. سه مرحله نخست تحلیل مجازات‌های کتابچه قانونی کنت (مقررات دستورالعمل نظمی)

فرآیند تحلیل گفتمانی «قانون کنت» در مرحله «توصیف» این‌گونه است که ستون مواد به همراه سه ستون (سطح- سطح، عمق- سطح و سطح- عمق) در عرض یکدیگر ارائه می‌شوند.

جدول ۱: تحلیل گفتمانی مبتنی بر سه سطح اول

ردیف	متن	برداشت از اصل متن	جهت‌گیری و گرایش متن	تحلیل توجیهی با توجه به گرایش‌های متن
۱	«در باب چاره‌جویی از ترک شرب مشروبات الکلیه و سكرات ... خانه زار دولت قاهره چاره‌ای برای منع آتیه آن جز افزایش قیمت و قرار دادن گمرکی معین که اقلاً یک بطری عرق کمتر از ده تومان قیمت نداشته باشد ... عامه ناس یعنی متوسط‌الحال به واسطه عدم بضاعت و قدرت و تمکن قهراً از شرب آن ممنوع شوند و رفته رفته این عادت شنیع از ملت منیع به‌کلی متروک گشته؛ ایران و ایرانیان را راهی تازه در قالب افسرده پزمرده حاصل آید... چنانکه در تمام دول فرنگستان برای توتون و مشروبات الکلیه مالیات فوق‌العاده منظور کرده... تا این‌که کسی از داخله مملکت قادر به کشیدن تریاک نباشد...» (فصل هفدهم).	- وضع مالیات سنگین برای ترک استعمال تریاک و مشروبات الکلی.	- یأس از کیفر و پناه بردن به روش‌های غیر کیفری همانند اخذ مالیات و عوارض. - نگاه به نظام حقوقی غرب برای انجام اصلاحات اجتماعی و کیفری.	- توسل به راه‌های پیشگیرانه علمی و تجربه‌شده در غرب به‌جای راهکار سرکوبگرانه کیفری. - سودای اصلاح سبک زندگی و پیشگیری از جرائم رایج جامعه.
۲	«در تربیت مجرمین انبار مبارکه است. چون غالباً مردمان بی‌علم و عاری از هرگونه حرف و صنایع یدی که عمری به خودسری و شرارت و بطالت گذرانیده و رایحه‌ای از تربیت و تمدن و شرافت انسانیت از کسب صنایع و اختراع و ایجاد جزئیات امور احتیاجیه به مشامشان نرسیده، مرتکب قتل و غارت و سرقت و قطع طرق و شوارع می‌شوند که به حکم شریعت مطهره... جزای اعمال آن‌ها از قتل و طرد و حبس لازم و محتمل است ... بهتر این است که بر حسب اراده و ارائه و امر اولیای دولت قاهره در انبار دولتی محلی بنا شود ... که مشغول به تحصیل این پنج حرف و کسب شوند... و این بنا را فواید و محسناتی چند است: اولاً... چون به کار و تحصیل مشغول‌اند از طول مدت حبس	- لزوم ایجاد حرفه و کسب و کار برای زندانیانی که فاقد مهارت‌های لازم کسب و کار هستند جهت آمادگی این مجرمین برای ورود به زندگی عادی اجتماع و تقویت قوای جسمانی و تزکیه نفس.	- ترتیب اشتغال زندانیان در زندان (انبار) جهت جلوگیری از افسردگی آنان و کمک به بازپروری و باز اجتماعی شدن آن‌ها.	- لزوم تعیین کیفرهای فایده‌مند برای بهبود اوضاع اجتماعی زندانیان و جامعه. - اثرپذیری از علوم جدید و تمرکز بر «علت جرائم» و راهکارهای پیشگیرانه.

ردیف	متن	برداشت از اصل متن	جهت گیری و گرایش متن	تحلیل توجیهی با توجه به گرایش های متن
	افسرده و کسل و علیل المزاج نشوند... ثانیاً قوای آن ها فاسد و خراب نشود... ثالثاً ... شاید متنبه شوند و دست از این اعمال بردارند». (فصل هجدهم)			
۳	«پلیس مستقیماً و بلافاصله تعلق به اعلی حضرت شاهنشاه جمجاه، روحنا فداه و حکمران دارالخلافه دارد. ... پلیس لابد است از اینکه هر وقت از اهل نظام خلافتی سر بزند او را گرفته صورت واقعه را پرت کرده، نزد رئیس نظام بفرستد که او را تنبه کند. پلیس مکلف است بر آن که اشخاص مقصر را دستگیر کرده و تنبیه کند، تقصیرشان به هر درجه باشد؛ مگر خانواده سلطنت عظمی را که در این صورت باید موافق امر مخصوص شاهنشاه رفتار کند» (مقدمه کتابچه قانونی کنت).	- پلیس نهادی است که علاوه بر کشف جرائم در اعمال تنبیه هم مختار است، به غیر از افراد حکومتی و خاندان سلطنتی.	- صلاحیت تصمیم گیری در خصوص مجازات افراد حکومتی و سلطنتی با خود پادشاه است. - پلیس یک نهاد دوگانه کشف جرم و اعمال مجازات است.	- عدم برابری افراد ویژه با مردم عادی در تحمل کیفر.
۴	«پلیس باید عدالت و حقانیت را منتشر سازد و احکام و قوانین شریعت مطهره را معمول و مجری بدارد و خیرخواهی اهالی مملکت را از همه جهت ملاحظه کند. رئیس پلیس حق دارد خود را بلاواسطه تقدیم حضور مبارک کند و هرکدام قبول و مضمی شد بعد پلیس مجبور است به موقع اجرا گذارد. ... پلیس مجبور است از اینکه مواظبت احکام شریعت و قوانین مذهب را کند» (مقدمه کتابچه قانونی کنت).	- پلیس وظیفه اجرا قوانین شرعی و عرفی را که شخص پادشاه تأیید کند بر عهده دارد.	- فرض بر این است که پلیس اجرای احکام شرعی را سرلوحه خود می داند و عبارت مقدمه کتابچه قانونی کنت در این خصوص تأکیدی بر این مهم است.	- مرجع تعیین کیفر، پادشاه است. - کیفرها متأثر از احکام شریعت است.
۵	«پلیس مجبور است از اینکه توجه کند صاحبان ادیان دین خودشان را محترم بدارند. معلوم است هر کس اطاعت قانون و نظم پلیس کند اطاعت حکم شاهنشاهی را کرده است و هرکس از اطاعت پلیس سرپیچد از اطاعت پادشاه سرپیچیده است. در موارد قتل	- پلیس وظیفه نظارت بر پاسداشت ادیان توسط پیروان آن ها و اجرای احکام شریعت دارد.	- پلیس وظیفه ای جز اطاعت احکام شریعت و در راستای آن احکام پادشاه ندارد و مخالفت با اعمال پلیس مخالفت با پادشاه و بالتبع آن مخالفت	- تأیید کیفرهای منبعث از شریعت. - تأکید بر اخلاق گرایی کیفری.

ردیف	متن	برداشت از اصل متن	جهت گیری و گرایش متن	تحلیل توجیهی با توجه به گرایش های متن
	چنانکه شریعت مطهره حکم فرموده است بلاخلاف و بلااستثنا محاکمه می شود» (مقدمه کتابچه قانونی کنت).		با شریعت مبین اسلام است.	
۶	«کسی که برخلاف پادشاه یا خانواده سلطنت حرف بزند و یا اینکه در ضد پادشاه و یا خانواده او خیال بدرفتاری و تحریک بد در نظر داشته باشد بعد از تحقیق و ثبوت از یک سال الی پنج سال به درجه تقصیرات مقصر با زنجیر محبوس می شود» (ماده ۱).	- مجازات صحبت و صرف سوء قصد علیه پادشاه و خانواده او حبس با زنجیر از یک تا پنج سال است.	- حفظ حریم پادشاه به عنوان اس و اساس کشور مستلزم مجازات علی حده نسبت به سایر تخطی ها در سطح جامعه است.	- تعیین کیفرهای سخت بدنی برای جرائم علیه امنیت ملی.
۷	«کسی که دختر باکره بالغه را ضایع کند به اندازه تقصیر او از یک سال الی پنج سال حبس خواهد شد و یا اینکه باید به رضایت پدر و مادر آن دختر را تزویج کند و به قدر مکنت فاعل از سی تومان الی یک هزار تومان از او گرفته شده و به پدر و مادر دختر داده خواهد شد و اگر طفلی به عمل آید در صورتی که آن شخص دختر را تزویج نکند برای طفل از یک قران الی پنج قران مخارج یومیه باید بدهد» (ماده ۱۴).	- یکی از موارد مجازات ازاله بکارت، تزویج دختر با اجازة پدر و مادر آن دختر همراه با پرداخت جریمه متعین نقدی به پدر و مادر آن دختر و پرداخت نفقه حمل حاصل از آن تجاوز.	- بهترین راه جبران برای زوال بکارت دختر بالغه که هم جنبه پیشگیری و هم جبران خسارات مادی و معنوی این عمل منافی عفت را دارد، تزویج آن دختر و پرداخت جریمه به پدر و مادر او است و در غیر این صورت زندان بهترین مجازات ممکن است.	- تعیین کیفرهای اخلاقی برای حفظ حریم اخلاقی جامعه. - یأس از کیفرهای سخت بدنی در حوزه تخطی از هنجارهای اخلاقی جامعه. - تمایل به رعایت فایده برای کیفر.
۸	کسی که تغییر لباس برای اجرای نیت بدی که دارد بکند مثل اینکه مردی به لباس زن درآید که داخل به خانه ها شود یا ارادل و او باش که ملیس به لباس اهل فضل و زهد شوند به اندازه تقصیر از یک ماه الی یک سال حبس خواهد شد و از پنج تومان الی ده تومان جریمه گرفته می شود (ماده ۲۱).	- مجازات های نقدی و حبس برای تغییر لباس و مبدل پوشی به قصد ارتکاب اعمال خلاف اخلاق و سوء استفاده از موقعیت اجتماعی.	- حفظ کرامت افراد اجتماع در حیطه پوشش و رعایت آداب اجتماع و اخلاق مذهبی از اهمات جدی حاکمیت است.	- تعیین کیفرهای اخلاقی برای حفظ حریم اخلاقی جامعه. - یأس از کیفرهای سخت بدنی در حوزه تخطی از هنجارهای اخلاقی جامعه. - تمایل به رعایت فایده برای کیفر.
۹	کسی که بد می گوید و تمسخر می کند مذهب خود را، بر حسب حد تقصیر او از چهل و هشت ساعت الی شش ماه حبس	- مجازات مالی و حبس برای عمل تمسخر و استهزاء مذهب توسط	- حفظ و اهتمام بر حفظ حرمت مذاهب مورد تأیید فقه جعفری از امور مهم	- تعیین کیفرهای اخلاقی برای حفظ حریم اخلاقی جامعه.

ردیف	متن	برداشت از اصل متن	جهت گیری و گرایش متن	تحلیل توجیهی با توجه به گرایش های متن
	خواهد شد و از پنج تومان الی صد تومان جریمه گرفته می شود و این جریمه به دست یک نفر از مجتهدین داده می شود که صرف مصارف مذهبی کند (ماده ۱۷).	پیروان آن مذهب.	نزد حاکمیت است.	- یأس از کیفرهای سخت بدنی در حوزه تخطی از هنجارهای اخلاقی جامعه. - تمایل به رعایت فایده برای کیفر.
۱۰	کتابچه که برای نوکرها مقرر شده بود هر یک از نوکرها موظف باید در دست داشته باشد ... هر کس نوکر دارد برای صلاحیت امورات شخصی خودش و انتظام شهر باید نوکر را مجبور به داشتن کتابچه کند. چنانچه بعد از این نوکرها کتابچه نداشته باشند از بیست و چهار ساعت الی چهار روز و هشت روز محبوس خواهد شد و از هزار دینار تا دو تومان جریمه نقدی گرفته می شود. (ماده ۲۶)	الزام نوکران برای داشتن کتابچه «مقررات دستورالعمل نظمیه» برای انجام درست وظایف خود.	- رعایت نظم اقتصادی جامعه که بر پایه روابط اقتصادی ارباب رعیتی شکل گرفته بود؛ مستلزم دخالت آشکار حاکمیت برای الزام نوکران جهت دانستن وظایف خود در راستای حفظ قوام و نظم جامعه است.	- وجود کیفرهای غیرانسانی برای انسان- هایی به صرف نوکر بودن که به بردگی گرفته شده اند و تعیین تکلیف ما لا یتاق برای آنان.
۱۱	کسی که نمی خواهد در پیش کسی نوکری کند نمی تواند فوراً بیرون برود باید هشت روز قبل به آقای خودش خبر دهد که آقا در این مدت نوکر دیگر پیدا کند و همچنین آقا حق ندارد به یک دفعه نوکر را بیرون کند (ماده ۲۹).	- نوکر در صورت عدم رغبت نمی تواند به یکباره نوکری آقای خود را ترک کند و همچنین این امر در خصوص آقای نوکر هم صادق است.	- قدرت اختیار ترک خدمت توسط نوکر از سوی حاکمیت قاجاری به رسمیت شناخته نشده بود.	- وجود کیفرهای غیرانسانی برای انسان- هایی به صرف نوکر بودن که به بردگی گرفته شده اند و تعیین تکلیف ما لا یتاق برای آنان.

## ۲-۲. مرحله «عمیق» تحلیل «قانون کنت»

با شناسایی دال های فرعی در سه مرحله نخست و دقت در مفصل بندی های گفتمانی، دال های مرکزی و محورهای گفتمانی کتابچه قانونی کنت مورد شناسایی قرار گرفته است که در جدول شماره ۲ بیان شده اند.

**جدول ۲: محورهای اساسی گفتمانی و دال‌های مرکزی کتابچه قانونی کنت**

دال‌های مرکزی گفتمان سازی	محورهای اساسی گفتمانی	مستند/ردیف <sup>۱</sup>
فایده‌گرایی کیفری	بازپروری و اصلاح زندانیان و مجرمین	۲
	تمایل به واکنش‌های غیر کیفری در خصوص مجرمات شرعی	۹-۸-۷-۱
	ابداعات کیفری فاقد پیشینه شرعی و با نگاه کارکردگرایانه	۹-۸-۷-۲-۱
نابرابری کیفری و وفاداری به مناسبات طبقاتی سنت کیفری سلطنتی	عدم تساوی مردم عادی با خاندان و مقامات حاکمیتی در تحمل کیفر	۳
	تعیین کیفر برای تخطی از مناسبات ارباب و رعیتی	۱۱-۱۰
	لزوم تأیید شاه برای اعمال مجازات‌های شرعی مندرج در کتب فقهی	۵-۴
تمرکزگرایی در قدرت و نفی آموزه‌های مدرن دموکراسی و مشروطیت سیاسی	تمرکز قانون کیفری در دستگاه پلیس	۵-۴-۳
	نفی آزادی بیان توسط دستگاه حاکمیت	۶
اخلاق‌گرایی کیفری	جرم‌انگاری رفتار خلاف اخلاق و مذهب	۹-۸-۷
	صحه گذاشتن بر اعمال مجازات‌های شرعی منبعث از کتب فقهی	۵-۴

اولین دال مرکزی، «فایده‌گرایی کیفری» است و دال‌های فرعی که بر محور این دال مفصل‌بندی شده‌اند عبارت‌اند از: «تمرکز بر بازدارندگی»، «تمرکز بر بازپروری و اصلاح مجرمین». تمایل به بازپروری، اصلاح مجرمین و واکنش‌های غیر کیفری، از

۱. این اعداد مستند شامل شماره ردیف مجازات‌های جدول شماره (۱) است که سه مرحله نخست تحلیل گفتمان پدام روی آن‌ها اجرا شده است و اکنون به عنوان محورهای اساسی گفتمانی و دال‌های مرکزی این قانون مورد استناد قرار گرفته‌اند. به عنوان مثال شماره ردیف (۱) در جدول شماره (۱) که مورد استناد قرار گرفته است؛ فصل ۱۷ این قانون است که سه مرحله نخست تحلیل گفتمان پدام روی آن اجرا شده بود که در جدول شماره (۱) قابل مشاهده است.

خصائص فایده‌گرا بودن قانون کنت است، و قته<sup>۱</sup> ایی است که حول این دال مرکزی شکل گرفته<sup>۲</sup> است.

دومین دال مرکزی، «نابرابری کیفری و وفاداری به مناسبات طبقاتی سنت کیفری سلطنتی» است و دال‌های فرعی که بر محور این دال مفصل‌بندی شده‌اند عبارت‌اند از: «تعیین کیفر برای تخطی از مناسبات ارباب و رعیتی»، «لزوم تأیید شاه برای اعمال مجازات‌های شرعی مندرج در کتب فقهی» و «عدم تساوی مردم با مقامات در تحمل کیفر» است.

وقته‌هایی که حول این دال شکل گرفته است، عبارتند از:

- مردم عادی با مقامات و دست‌اندرکاران حاکمیت در تحمل کیفر برابر نیستند؛
- تخطی نوکران از انجام تعهداتشان در برابر اربابانشان همراه با واکنش کیفری است؛

- مجازات‌های شرعی به شرطی اجرا می‌شوند که از سوی مقام شاه به تأیید رسیده باشند؛

سومین دال مرکزی، «تمرکزگرایی در قدرت و نفی آموزه‌های مدرن دموکراسی و مشروطیت سیاسی» است و دال‌های فرعی که بر محور این دال مفصل‌بندی شده‌اند عبارت‌اند از: «تمرکز قدرت کیفری در دست پلیس» و «نفی آزادی بیان توسط دستگاه حاکمیت».

وقته‌های شکل گرفته حول این دال به شرح ذیل نشان داده شده است:

- بیان و اظهارنظر خلاف دستگاه حاکمیت با واکنش کیفری روبه‌رو می‌شود؛
  - قدرت کیفردهی متمرکز در دستگاه پلیس است.
- چهارمین دال مرکزی، «اخلاق‌گرایی کیفری» است و دال‌های فرعی که بر محور

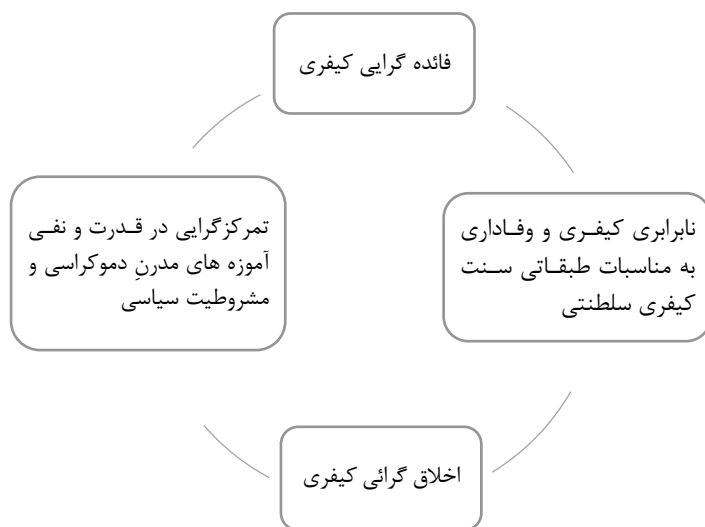
#### 1. Moment

۲. هنگامی که یک عنصر در ساختار یک گفتمان وارد و در فرآیند گردهم آمدن دال‌های فرعی حول دال‌های مرکزی مفصل بندی می‌شود، وقته به وجود می‌آید (Laclau.E & C.Muff, 2001,P X).

این دال مفصل‌بندی شده‌اند عبارت‌اند از: «جرم انگاری رفتار خلاف اخلاق و مذهب» و «صحیح گذاشتن بر اعمال مجازات‌های شرعی منبعث از کتب فقهی» و «وقته‌های شکل گرفته حول این دال به شرح ذیل است:

- رفتارهای خلاف مذهب و اخلاق اسلامی، با واکنش کیفری روبه‌رو است؛
- مجازات‌های شرعی مندرج در کتب فقهی مثل احکام مجازات قتل به همان ترتیب کتب فقهی اجرا می‌شود.

### نمودار ۳: دال‌های مرکزی قانون کنت



دال مرکزی «فایده‌گرایی کیفری» بیانگر وجود گفتمان «مدرنیسم کیفری» در کتابچه قانونی کنت است؛ دال مرکزی «نابرابری کیفری و وفاداری به مناسبات طبقاتی سنت کیفری سلطنتی و تمرکزگرایی در قدرت و نفی آموزه‌های مدرن دموکراسی و مشروطیت سیاسی» بیانگر وجود گفتمان «سنت سلطنت کیفری» در «کتابچه قانونی کنت» است و همچنین دال مرکزی اخلاق‌گرایی کیفری بیانگر وجود گفتمان «سنت شرعی کیفری» در «کتابچه قانونی کنت» است؛ بنابراین، با تبیین دال‌های مرکزی، شناور



و وقته‌های «کتابچه قانونی کنت» شاهد حضور سه گفتمان «سنت شرعی کیفری»، «سنت سلطنتی کیفری» و «مدرنیسم کیفری» هستیم.

## ۲-۳. مرحله عمیق‌تر (تبیین) تحلیل نهایی کتابچه قانونی کنت

طبق توضیحات قسمت روش تحقیق، مرحله پنجم (عمیق‌تر) مرحله کشف ناگفته‌ها و معانی پنهان بر پایه گفته‌ها است که در ادامه با بیان مثال‌های کاربردی و عملیاتی در دو بخش «تبیین فرا متن‌های «گفتمان‌های سنتی کیفری» و «تبیین فرا متن گفتمان مدرنیسم کیفری»، این مرحله از تحلیل به‌خوبی برای خوانندگان مقاله تبیین خواهد شد. در این حرکت فرامتنی، قرار بر این است که تحلیل معنایی متن از غنای لازم برخوردار شود. در نتیجه در این بخش با توجه به دال‌های مرکزی که در جدول نمودار شماره (۳) معرفی شدند، زمینه‌ها و مفصل‌بندی‌ها تحلیل می‌شوند تا ناگفته‌ها به دست آیند.

در تحلیل گفتمانی کیفر در «قانون کنت» با یک گفتمان «مدرنیسم کیفری» ناقص مواجهیم. هرچند که متجددین و نخبگان سیاسی آن زمان در تحول و حرکت «قانون کیفری کنت» به سمت فایده‌مند شدن و مدرنیزه شدن مجازات مؤثر بودند؛ لکن شواهدی - که در ادامه مطالب ذکر خواهد شد - وجود دارد که باور جدی به تحکیم گفتمان «مدرنیسم» در «قانون کیفری کنت» وجود نداشت.

## ۲-۳-۱. تبیین فرا متن‌های «گفتمان‌های سنتی کیفری»

در خصوص تبیین فرا متن‌های «گفتمان‌های سنتی کیفری» قانون کنت باید سخن را از این مقدمه شروع کرد که افکار آزادی‌خواهی و تجددطلبی توسط روشنفکران فرنگ رفته در کشور رواج پیدا کرد که اروپاگردی‌های ناصرالدین‌شاه در آن برهه را می‌توان مضاف بر علت دانست. این اروپاگردی‌های شاه باعث اقدام او برای تقویت سلطنت خود به طریق پادشاهان بزرگ اروپایی با توسل به تقلید از قوانین اروپایی شد

که صدور فرمانی به نام «فرمان دیوان‌خانه عدلیه در جمیع ممالک محروسه دولت علیه» در سال ۱۲۷۵ هجری قمری شاهی بر این ماجرا است (امین، ۱۳۸۲: ۴۲۵). سیر این تطور دستگاه ناصری به جایی رسید که حتی شاه فرمان داد مجازات‌هایی مثل اعدام فقط پس از تأیید و کسب اجازه از او اجرا شوند (معتمد، ۱۳۵۱، ج ۱: ۷۴). ناصرالدین‌شاه پس از این رو به تدوین نه چندان موفق قوانین ماهوی آورد که موازی با احکام شرع بود؛ از آن جمله می‌توان به ترجمه کد ناپلئون و قوانین دولتی عثمانی اشاره کرد (امین، ۱۳۸۲: ۴۲۴-۴۲۵). شکست اصلاحات ناصرالدین‌شاه را می‌توان در غلبه گفتمان سیاسی سلطنت مطلقه در «عصر تنظیماتی»<sup>۱</sup> که قانون «مقررات دستورالعمل نظمیه» به تصویب رسید، جست؛ به نحوی که امیرکبیر می‌گفت: «قانون چیزی جز فرمان پادشاه نیست». در اینجا می‌توان گفت که منظور از فرمان پادشاه دو چیز باشد:

۱. پادشاه یکی از فتاوی رایج را فرمان رسمیت دهد (حوزه‌ی شرعی)؛
  ۲. در حوزه‌هایی که نص نیست و به تعبیر قدما صغرویات است، پادشاه فرمان دهد (حوزه‌ی عرفی).<sup>۲</sup>
- تجددخواهی و اصلاح‌طلبی وارداتی ناصرالدین‌شاه در زمینه تحولات کیفری از اروپا، تقلید یک رویه منسوخ شده سلطنتی اروپایی در دو قرن قبل (۱۶۷۰ میلادی) بود (معتمد، ۱۳۵۱، ج ۱: ۷۴) که باعث شکل‌گیری بخشی از گفتمان سنت کیفری سلطنت مطلقه عصر ناصری شد.

ردپای این گفتمان چنان مشهود است که حتی می‌توان حدس زد آنچه ناصرالدین‌شاه در دست خط خود خطاب به نایب السلطنه‌اش برای ابلاغ قانون کنت نوشته بود و ضمن تأیید مفاد این قانون، اشاره به کم و زیاد کردن یکی دو ماده کرده بود (کتابچه قانونی کنت، بی‌تا: ۱) بیش‌تر ناظر بر تعیین کیفر در برابر رفتارهای علیه

۱. در دوره صدرالاعظمی سپهسالار، یک گفتمان حقوق کیفری شکل گرفت که استدلال اصلی آن بر این بود که مملکت باید مقررات یکپارچه داشت و در راستای آن یک مرکز حاکمیتی در نظر گرفته شود که آن مرکز قانون را وضع، جرح و تعدیل کند (فیرحی، ۱۳۹۷).

۲. (فیرحی، داود، سخنرانی تبارشناسی حقوق در ایران، دانشکده حقوق دانشگاه تهران، آبان ماه ۱۳۹۷)

نظام سلطنتی بوده است (رایجیان اصل، ۱۳۹۲: ۶۹۹).

یکی از مشخصات گفتمان سنتی کیفری، نابرابری افراد در تحمل کیفر است که با مذاقه در آثار اندیشمندان سیاسی اواخر دوران قاجار که خود بانی ورود مفهوم قانون به کشورمان ایران بودند، می‌توان به چرایی نابرابری افراد در برابر کیفر در قوانین کیفری آن زمان پی برد. برای مثال میرزا یوسف خان مستشارالدوله در کتاب یک کلمه - که متأثر از اعلامیه حقوق بشر ۱۷۸۹ م تدوین شده بود - نظرش بر این بود که منظور از «حقوق برابر» افراد با اشاره به روایت تاریخی قضاوت امیرالمؤمنین، به برقراری عدل و قسط در حکمیت میان افراد، برابر محتوایی نیست، بلکه برابری صوری در مرحله دادرسی است (علیخانی و همکاران، ۱۳۹۰، ج ۹: ۱۱۳). مستشارالدوله حتی در کتمان این آزادی، مفهوم آزادی ('Liberte') در اعلامیه حقوق بشر را به صرف ظلم نکردن به خلق الله و عدم تجسس و عدم مجازات فردی به خاطر بزه دیگری می‌داند (مستشارالدوله، ۱۳۶۴: ۵۱)؛ در نتیجه برداشت مستشارالدوله از مفهوم «آزادی» ربطی به مفهوم مجرد آزادی انسانی که قانون، بیان اراده اوست نداشت و این انسان از قانون‌هایی تبعیت می‌کند که خود تصویب کرده است (علیخانی و همکاران، ج ۹: ۱۱۵-۱۱۴). طالبوف هم آزادی به معنای ('Liberte') را برای ملت ایران آن روزگار زود می‌دانست (علیخانی و همکاران، ۱۳۹۰، ج ۹: ۲۳۰) و مطالبه مردم ایران را درباره مفهوم آزادی در سه حوزه هویت، عقاید و قول به دلیل «اغراض نفسانی و بی‌کفایتی» حاکمان ایران بعید می‌دانست (طالبوف، ۱۳۴۶: ۱۸۹). چنان‌که نقل است نظام العلماء تبریزی هم با خدشه بر اصل «برابر بودن» افراد در برابر قانون تا جایی پیش می‌رود که بیان می‌دارد: «هر سلطانی که لوح خاطرش از بیدادگری پیراسته باشد، حتی اگر مرتکب قتل نیز شده باشد، به دلیل همان پیراستگی اندیشه‌اش از قتل، قاتل نیست و غیرقابل قصاص است» (نظام العلماء تبریزی، ۱۳۱۲ ق: ۳۸-۴۱). حاج زین‌العابدین مراغه‌ای با مقایسه رفتار جامعه ایرانی با سایر ملل پیشرفته اروپایی، سرکوبگری را از صفت بارز و شایع ایرانیان و جامعه ایرانی می‌داند که این صفت اجتماع ایرانی، در دستگاه حاکمیت بیشتر نمود دارد

(علیخانی و همکاران، ۱۳۹۰، ج ۹: ۳۸۴). سخن زین العابدین مراغه‌ای در این خصوص به شرح ذیل است: «نمی‌دانم از آزادی افکار و قلم برای دولت و ملت چه ضرری حاصل تواند شد که زبان گویندگان را بسته و خامه نویسندگان را شکسته‌اند؟ معلوم است که معنی آزادی را درست نفهمیده‌اند» (مراغه‌ای، ۱۳۸۴: ۲۵۹).

همان‌گونه از محتوای رسایل مشروطیت فهم می‌شود، برابری نه به معنای تدوین قوانین برابر برای همه افراد اجتماع بلکه به معنای برابری همه افراد جامعه در برابر اجرای قانون است یعنی «زانی حد می‌خورد هر که باشد، سارق مجازات می‌شود هر که باشد... شاه یا گدا یا عالم یا جاهل» تفاوتی نمی‌کند (حبیبی خوزانی، ۱۳۸۸: ۱۹۸).

گفتمان هژمونیک همه جریانات و گروه‌ها - با اینکه در عقاید متفاوت بودند؛ اعم از لیبرال‌ها، سوسیال‌ها و فقها- هر یک در پی توجیه شرعی و اسلامی مشروطیت بود و کمر همت بر تثبیت «این‌همانی» مبانی مذهب و اصول اساسی مشروطیت بستند (حبیبی خوزانی، ۱۳۸۸: ۶۳) و عمده ایرادهایی که مشروعه‌خواهان در مورد تصویب قانون توسط مجلس می‌گرفتند این بود که «مبنای مشروطیت بر مساوات است مابین عموم، علی اختلاف مراتب، در جمیع حقوق، چه ملتی و چه دولتی. در حالی که در اسلام تفاوت است در میان حقوق مرد و زن، مسلمان و کافر، عالم و جاهل... و یکی از لوازم مشروطیت، حریت و آزادی و خودسری خلق است» (محلّاتی، ۱۳۷۷: ۵۱۹). از جمله ایرادهای شیخ فضل‌الله نوری طرفدار مشروعه‌خواهی بر اصل «برابری»، در خصوص آزادی قلم و مطبوعات بود و نظر ایشان در این زمینه به شرح ذیل است: «ماده دیگری که در این ضلالت‌نامه است، آزادی قلم و آزادی مطبوعات است. ... به موجب این ماده بسیاری از محرمات ضروری حلال اعلام شد، زیرا مستثنا فقط در دو امر شد و حال آنکه یکی از محرمات ضروری، افترا است و یکی از محرمات مسلمة غیبت از مسلم است» (آجودانی، ۱۳۸۴: ۳۸۷). قدرت گفتمان مذهبی در آستانه مشروطیت به قدری بود که دو طیف متقابل مشروطه‌خواه و مشروعه‌خواه برای دفاع یا مخالفت با مشروطه متوسل به ادبیات فقهی و شرعی می‌شدند (حبیبی خوزانی، ۱۳۸۸: ۱۸۷). برخلاف باور تقلید صرف

بودن قانون اساسی مشروطیت از قوانین اساسی دول اروپایی، عناصر مذهبی و شرعی بر عناصر عرفی در قانون اساسی مشروطه تسلط داشتند. این تسلط، معلول هژمونی مؤلفه‌های مذهبی در عصر مشروطیت ایران بود. اصول ۱۵، ۲۰، ۵۸، ۸۳ قانون اساسی مشروطیت به وضوح شاهد مثالی بر اثبات این گفتار است (حیبی خوزانی، ۱۳۸۸: ۲۰۰-۱۹۴). در خصوص تحلیل زمینه فرا متن و گفتمان اخلاق‌گرایی کیفری باید اشاره به سخن اندیشمندان مؤثر عصر مشروطه مانند طالبوف کرد که می‌گفت: «اساس و منبع قوانین اسلام، قرآن شریف ما است که مادام‌الدهر بر ملت ایران، حلال او حلال و حرام او حرام است. در اینجا حق داریم بگوییم چون کتاب الله در دست است نوشتن کتب قوانین دیگر چه لازم است؟ بلی چون معانی آیات قرآن را جز علماء دیگران نمی‌دانند ما می‌خواهیم آن را در دسترس بکنیم که همه بدانند و همه بفهمند. از آن جهت توضیح معانی قرآن را در فصول متعدد که او را قانون می‌گوییم، اقتضای عصر و لزوم حفظ حوزه اسلام واجب شرعی کرده» (طالبوف، ۱۳۵۷: ۱۲۲)؛ و یا حاج زین‌العابدین مراغه‌ای در باب تبیین ماهیت قانون می‌گوید: «مگر علماء نمی‌دانند قانون جز از اجرای احکام شریعت چیزی دیگر نیست؟ شریعت اصل قانون است. معنای هر کلمه عبارت از اجرای عدالت است به‌طور مساوات» (مراغه‌ای، ۱۳۸۴: ۱۱۱) حاج زین‌العابدین حتی ادعایی مهم‌تر را در باب تقنین احکام دین در چارچوب قانون را بیان می‌کند که بسیار جالب توجه است، ایشان می‌گوید: «فرنگان آنچه قانون خوب دارند همه را از کتب مقدسه اسلام گرفته‌اند. اکثرشان از قرآن مجید و احادیث شریفه و بیانات ثقیفه حضرت امام‌المتقین اسدالله‌الغالب علی بن ابی‌طالب و کتب فقه اسلامیان است» (مراغه‌ای، ۱۳۸۴: ۱۰۸) میرزا یوسف خان مستشارالدوله هم تعبیری شبیه به تعبیر حاج زین‌العابدین مراغه‌ای را دارد: «... خواهیم دید که تداول احکام امم و تجارب اقوام حاکم چگونه مصدق شریعت اسلام اتفاق افتاد و خواهیم فهمید که آنچه قانون خوب در فرنگستان هست و ملل آنجا به‌واسطه عمل کردن به آن‌ها خود را به‌اعلی درجه ترقی رسانیده‌اند، پیغمبر شما هزار و دویست و هشتاد سال قبل از این برای ملت اسلام معین و برقرار

فرموده» (مستشارالدوله، ۱۳۶۴: ۴۴).

تحلیل اقوال علماء و بزرگان آن عصر که نشان‌گر اهتمام جدی جامعه به نقش کلیدی شریعت در زندگی مردم، عدم برابری افراد در برابر قوانین و اختیار فراقانونی پادشاه در کیفر افراد است حاکی از ظهور سه مؤلفه اصلی ذیل در متن تحولات کیفر در این دوره تاریخی دارد که به شرح ذیل است:

الف. اخلاق‌گرایی کیفری؛

ب. تمرکزگرایی در قدرت و نفی آموزه‌های مدرن دموکراسی و مشروطیت

سیاسی؛

ج. نابرابری کیفری و وفاداری به مناسبات طبقاتی سنت کیفری سلطنتی.

با توجه به تحلیل بالا مؤلفه‌های هژمونیک مذهبی، مضاف بر تأثیرات ناصرالدین‌شاه از قوانین کیفری فرانسه قبل از انقلاب کبیر، نقش اساسی در شکل‌گیری گفتمان نابرابری، اخلاق‌گرایی کیفری و غیر دموکراتیک بودن مجازات‌های قانون کنت و پررنگ بودن نقش شاه در تأیید مجازات‌های شرعی و عرفی داشته‌اند. از جمله مجازات‌های غیردموکراتیک که در این قانون مشهود است، می‌توان به مواد ۲۶<sup>۱</sup> و ۲۹<sup>۲</sup> آن اشاره کرد که برای ترک وظایف نوکری توسط نوکران از قبیل نداشتن کتابچه قانون به همراه خود و یا ترک نوکری آقای خود بدون اجازه او، مجازات‌های حبس و جزای نقدی در نظر گرفته شده است. همچنین از جمله در خصوص عدم برابری افراد در مجازات می‌توان به مقدمه این کتابچه قانون اشاره کرد؛ آن جایی که این مقدمه بعد از تعیین تکلیف پلیس برای تنبیه افراد خلاف‌کار، پلیس را از مجازات خاندان سلطنتی

۱. «کتابچه که برای نوکرها مقرر شده بود هر یک از نوکرها موظف باید در دست داشته باشد ... هر کس نوکر دارد برای صلاحیت امورات شخصی خودش و انتظام شهر باید نوکر را مجبور به داشتن کتابچه کند. چنانچه بعد از این نوکرها کتابچه نداشته باشند از بیست و چهار ساعت الی چهار روز و هشت روز مجبوس خواهد شد و از هزار دینار تا دو تومان جریمه نقدی گرفته می‌شود».

۲. «کسی که نمی‌خواهد در پیش کسی نوکری کند نمی‌تواند فوراً بیرون برود، باید هشت روز قبل به آقای خودش خیر دهد که آقا در این مدت نوکر دیگر پیدا کند و همچنین آقا حق ندارد به یک دفعه نوکر را بیرون کند».

بدون اطلاع شخص پادشاه بر حذر داشته است.<sup>۱</sup>

## ۲-۳-۲. تبیین فرا متن گفتمان «مدرنیسم کیفری»

نطفه حقوق کیفری نوین ایران در بازگشت ناصرالدین شاه از نخستین سفر اروپاگردی و دستور تأسیس شورای اداری به سبک قوانین جدید اروپایی برای حل و عقد امور و اجرای عدالت پا گرفت (نوربها، ۱۳۷۵: ۹۵). از جمله مظاهر طلوع حقوق کیفری نوین ایران می توان به صدور فرمان لغو شکنجه با حمایت سفارتخانه های دول اروپایی توسط امیرکبیر اشاره کرد که البته همین فرمان در خصوص اشرار قطاع الطریق، تخصیص خورد. اقدام های بعدی امیرکبیر در جهت تحقق حقوق کیفری نوین ایرانی، دستور وی مبنی بر رعایت تناسب مجازات ها با میزان جرائم بود (رضاقلی، ۱۳۹۲: ۱۱۹). در دوره ناصرالدین شاه تغییراتی در نحوه اعدام محکومان تغییراتی حاصل شد؛ از آن جمله می توان به از بین رفتن «مرگ هزار باره» اعدامیان اشاره کرد که «مرگ سریع» جایگزین آن شد و دیگر خبری از شمع آجین کردن<sup>۲</sup> فرد محکوم نبود (خزائی، ۱۳۹۵: ۱۱۲-۱۱۳). تأثیر تطورات علم جرم شناسی در اروپا بر ناصرالدین شاه به گونه ای بود که او دستور به برداشتن عکس شخص محکوم به اعدام قبل از اعدام داد (بری دال، ۱۳۸۰: ۴۶). تصدی پیرم خان بر اداره نظمیته تهران باعث خروج زنجیرها از «محبس نظمیته» و دستور به آتش زدن وسایل غیربهداشتی زندان شد (بهرامی، ۱۳۶۳: ۱۴۶-۱۵۴).

## الف. فرا متن «فایده گرایی»<sup>۳</sup>

بر اساس آموزه های مکتب فایده گرایی، مجازات، بازدارنده بزه کار (بازدارندگی

۱. «پلیس مستقیماً و بلافاصله تعلق به اعلی حضرت شاهنشاه جمجاه، روحنا فداه و حکمران دارالخلافه دارد. ... پلیس لایب است از اینکه هر وقت از اهل نظام خلاقی سر بزند او را گرفته صورت واقعه را پرت کرده، نزد رئیس نظام بفرستد که او را تنبه کند. پلیس مکلف است بر آن که اشخاص مقصر را دستگیر کرده و تنبیه کند، تقصیرشان به هر درجه باشد؛ مگر خانواده سلطنت عظمی را که در این صورت باید موافق امر مخصوص شاهنشاه رفتار کند».

۲. قرار دادن شمع در منافذ ایجاد شده در بدن قربانی.

خاص) از تکرار جرم و دیگران (بازدارندگی خاص) از ارتکاب آن است (غلامی، ۱۳۹۵: ۱۲۷). اعتقاد راسخ فایده‌گرایان بر این مهم استوار است که انسان‌ها به دلیل اینکه خودخواه هستند، متأثر از تأثیرات بیرونی بالأخص تأثیراتی اجتماعی چون مجازات هستند و به خاطر این طبیعت خودخواهشان از درد و رنج دوری می‌کنند و در اثر یک حساب و کتاب عقلی، تبعیت از قانون را انتخاب می‌کنند، زیرا مسئولیت‌های مجازات بالقوه، سنگین‌تر از مزایای ناشی از جرم است (بروکس، ۱۳۹۵: ۷۱).

از منظر جرمی بتنام از پیشگامان مکتب فایده‌گرایی کیفری که به بررسی نفع و ضرر مجازات پرداخت، اگر کیفر به نحوی شدید ولی با اندیشه کامل بر ضرورت آن انتخاب شده باشد، از انجام جرم خودداری می‌کند. از منظر بتنام کیفر باید متناسب با وسعت خسارتی باشد که بر جامعه وارد شده است و مضاف بر این جبران خسارت باید موجب هراس افراد از انجام و تکرار آن باشد. در قاموس اندیشه نظریه‌پردازان این مکتب بهترین وسیله بازدارندگی از جرم، زندان است (نوربها، ۱۳۷۵: ۱۱۳). از منظر بتنام، تنها عوامل مرتبط در ارزیابی هر قانونی، یکی خیری است که اخلاق آن را تجویز می‌کند و دیگری هم شری است که اخلاق آن را نهی می‌کند و این خیر و شر را هم فقط در قالب «لذت و درد» می‌توان اندازه‌گیری کرد (کاپالدی، ۱۳۸۳: ۶۸). بتنام در خصوص مجازات هم در باب اهداف مجازات صحبت می‌کند و هم در باب میزان مجازات. در باب اهداف مجازات، بتنام در آغاز قائل به دو هدف عمده است؛ هدف اول، کاهش جرم و هدف دوم، ارضا خاطر بزه‌دیده است. او در مورد هدف کاهندگی جرم، قائل به سه ویژگی برای هدف کاهش جرم بودند که به شرح ذیل است:

۱. ناتوان‌سازی مجرم برای عدم ارتکاب جرم؛

۲. اصلاح مجرمین؛

۳. بازدارندگی از طریق ترساندن مجرمین برای تکرار ارتکاب جرم.

همچنین بتنام در مورد هدف ارضاء کنندگی خاطر بزه‌دیده قائل به دو استراتژی ذیل است:



۱. غرامت مالی؛
  ۲. ارضاء حس انتقام‌جویی (Bentham, 1948:396).
- بنام در باب میزان مجازات به شش فایده لازم‌الرعايه اشاره می‌کند که به شرح ذیل است:
۱. میزان مجازات در هر صورت نباید کمتر از سود حاصل از ارتکاب جرم باشد، زیرا در این صورت بلاشک، جرم اتفاق خواهد افتاد و هدف پیشگیری عام از جرائم بی‌ثمر واقع می‌شود؛
  ۲. هزینه‌های ناشی از ارتکاب جرم باید در قیاس با صدمات و زیان‌های ناشی از آن افزایش یابد؛
  ۳. با افزایش هزینه‌های جرائم بزرگ‌تر، فرد در معرض انجام جرم به سمت ارتکاب جرائم کوچک‌تر کشانده خواهد شد؛
  ۴. مجازات باید به گونه‌ای منطبق با آن جرم طراحی شود که در خصوص هر جزئی از زیان و صدمه ناشی از جرم برای بزهکار انگیزه لازم برای دست کشیدن از جرم فراهم باشد؛ یعنی مجرم، مرتکب ایجاد ضرر و زبانی بیش از قصد خود نشود؛
  ۵. پیشگیری از جرم با ارزان‌ترین شیوه ممکن حاصل شود؛
  ۶. در تعیین مجازات باید شرایط و اوضاع و احوالی که بر حساسیت و تأثیرگذاری افراد در وقوع بزه مؤثرند، مدنظر قرار بگیرند (Bentham, 1948:56).
- در خصوص تأثیر آموزه فایده‌گرایی کیفری بر تحولات کیفر در آستانه مشروطیت می‌توان گفت که قانون‌گذار در قانون «مقررات دستورالعمل نظمیه» کنت به جای اجرای مجازات‌های فقهی و سنتی در مسائلی چون شرب مسکرات، ازاله بکارت دختر باکره، توهین به مذهب و تلبس به لباس جنس مخالف برای انجام اعمال غیراخلاقی، با تقنین مجازات‌های نقدی به تربیت در فصل هفدهم، مواد ۱۴، ۱۷ و ۲۱، در پی پیشگیری از جرم با ارزان‌ترین روش است و با افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم هم انگیزه لازم را از

مرتکب می‌گیرد و هم به جبران خسارات بزه دیده از طریق پرداخت غرامت مالی می‌پردازد و از این طریق شرایط بازدارندگی عام از ارتکاب جرائم را در سطح جامعه فراهم می‌آورد.

### ب. فرا متن «بازپروری»<sup>۱</sup>

تعریف بازپروری معمولاً به شرح ذیل است: «بازگشت شخص بزهکار به وضعی که قبل از محکومیت داشته است».<sup>۲</sup> نظریه بازپروری از رهیافت‌های محبوب مکتب فایده‌گرایی بالأخص در دهه ۱۹۶۰ میلادی است. آموزه «توانمند کردن اشخاص» بکاربر و بنام از طریق توسل جستن به مجازات‌های مناسب و مؤثر، بخشی از آموزه‌های فایده‌گرایی محسوب می‌گشت (غلامی، ۱۳۹۵: ۱۸۹). «هسته اصلی نظریه بازپروری، تمرکز مجازات بر تبدیل شهروند مجرم به شهروند مطیع است وقتی که مجرمان، جرم را از انتخاب‌هایشان حذف کنند (بروکس، ۱۳۹۵: ۹۴). تفاوت «نظریه بازدارندگی» با «نظریه بازپروری» این است که طرفداران بازدارندگی بر ارباب تمرکز دارند؛ در حالی که موضع بازپروری در این خصوص متفاوت است؛ موضع این نظریه مبتنی بر آموختن درس‌هایی در جهت اجتماعی شدن بزهکاران است (بروکس، ۱۳۹۵: ۹۵). در فرآیند بازپروری برای اصلاح شخصیت مجرم از مجموعه «تدابیر درمانی» استفاده می‌شود که این تدابیر درمانی نیازمند مجموعه‌ای از متخصصان است. تفاوت «بازپروری کردن» با «باز اجتماعی کردن»<sup>۳</sup> در این است که در «بازپروری»، تدابیر درمانی با رویکرد زیستی، روانی به درمان اختلالات روانی و جسمانی مؤثر بر ارتکاب جرم توسط مجرم می‌پردازد؛ ولی در «باز اجتماعی شدن» با رویکرد ارتباطی مبتنی بر گفت‌وگو و مذاکره، کمک به بازیافتن نقش اجتماعی مجرم در اجتماع می‌شود (غلامی، ۱۳۹۵: ۱۹۱-۱۹۰).

در خصوص تأثیر آموزه بازپروری بر تحولات کیفر در آستانه مشروطیت می‌توان

1. Rehabilitation

2. Black's Law Dictionary

3. Resocialization

به فصل هفدهم مقدمه این قانون «مقررات دستورالعمل نظمیه» کنت اشاره کرد که در این فصل مقنن با ایجاد کسب‌وکار برای زندانیان در جهت جلوگیری از افسرده شدن مجرم و یادگیری حرفه‌ای در جهت تأمین معاش بعد از رهایی از حبس، نظر به آموزه‌ی «بازپروری» که از آموزه‌های مدرنیسم کیفری است، داشته است.

### فرجام سخن

جامعه مشروطه‌خواه ایرانی در آستانه دوره مشروطه دو کوشش مهم برای تدوین قوانین کیفری کرد که نخست، تدوین قوانین کیفری با اقتباس از قوانین اروپایی و دوم، جلب نظر فقها برای عدم مغایرت این قوانین با احکام فقهی و دینی بود. در این مقاله تلاش شد با روش تحلیل گفتمان پدام، گفتمان‌های موجود در متن تحولات کیفر قانون «مقررات دستورالعمل نظمیه» به عنوان قانون کیفری شاخص در آستانه دوره مشروطه مورد بررسی قرار گیرد. در پاسخ به سؤالات پژوهش مبنی بر اینکه نخست، سهم هر کدام یک از گفتمان‌های مؤثر به چه میزان است و دوم، کدام گفتمان، گفتمان غالب بوده است باید بیان داشت که در پاسخ به سؤال اول، تحلیل مجازات‌های «مقررات دستورالعمل نظمیه»، حاکی از ظهور چهار دال مرکزی در این قانون است که به شرح ذیل است:

۱. فایده‌گرایی کیفری: فایده‌گرایی از این لحاظ که نخست، واکنش‌های کیفری در این قانون ابداع شد که فاقد پیشینه کیفری و با نگاه کارکردگرایانه بود؛ دوم، این قانون اهتمام جدی به بازپروری و اصلاح مجرمین داشت و سوم، در خصوص محرمات شرعی، تمایل به واکنش‌های غیر کیفری داشت؛
۲. اخلاق‌گرایی کیفری: در خصوص این دال باید به جرم‌انگاری رفتارهای خلاف اخلاق و مذهب و تأیید بر مجازات‌های شرعی در این قانون اشاره کرد؛
۳. نابرابری کیفری و وفاداری به مناسبات طبقاتی سنت کیفری سلطنتی: عدم

تساوی مردم عادی با خاندان حکومتی در تحمل کیفر، تعیین کیفر برای مناسبات ارباب و رعیتی و لزوم تأیید شاه برای اعمال مجازات‌های شرعی از مهم‌ترین محورهای این دال هستند؛

۴. تمرکزگرایی در قدرت و نفی آموزه‌های مدرن دموکراسی و مشروطیت سیاسی: محورهای اساسی این دال مرکزی، تمرکز قانون کیفری در دست پلیس و نفی آزادی بیان توسط حکومت است.

و در پاسخ به سؤال دوم نیز می‌توان این‌گونه جواب داد که ابداع نهادهای کیفری مدرن و سودای اصلاح جامعه و پیشگیری از جرائم به سبک جوامع غربی، سودمند ساختن مجازات‌ها مانند تعیین کیفرهای مالی برای بعضی از جرائم اخلاقی و سایر جرائم، حذف برخی از مجازات‌های شرعی و بازپروری افراد بزهکار جامعه و زندانیان از طریق توجه به فعالیت و کار زندانیان، نشان از غلبه گفتمان مدرنیسم کیفری در تحلیل مجازات‌های در آستانه مشروطیت دارد. هرچند که این گفتمان مدرنیسم کیفری به دلیل اخلاق‌گرایی، بدبینی به حریت و مساوات و تمرکز قدرت کیفری در دستگاه پلیسی شخص پادشاه که ناشی از حضور دو گفتمان سنت کیفری شرعی و سنت کیفری سلطنتی است، عقیم ماند.

پژوهش حاضر می‌تواند فتح بایی برای پژوهش‌های دیگر در حوزه تحلیل گفتمان کیفری مانند تحلیل گفتمان جرائم این عصر و دوران بعدی و یا تحلیل گفتمان کیفر در دوره‌های بعدی (پهلوی و چهار دهه جمهوری اسلامی) شود و انگیزه‌ای برای شروع پژوهش‌های کمی و کیفی در رشته حقوق شود.

## منابع

الف. فارسی

- امین، حسن (۱۳۸۲) *تاریخ حقوق ایران*، تهران: انتشارات دایره‌المعارف.
- آجودانی، ماشاءالله (۱۳۸۴) *مشروطه ایرانی*، تهران، انتشارات اختران.
- بروکس، تام (۱۳۹۵) *مجازات*، مترجم محمد علی کاظم نظری، تهران: انتشارات میزان.
- بری دال، سون (۱۳۸۰) *گزارش نظمیته تهران سال‌های ۱۹۱۲-۱۹۱۵*، مترجم عبدالرضا بهادری، تهران: انتشارات دستان.
- بشیر، حسن (۱۳۹۰) *رسانه‌های بیگانه؛ قرابتی با تحلیل گفتمان*، ج ۱، تهران: انتشارات سیمای شرق.
- بشیر، حسن (۱۳۹۱) *رسانه‌های بیگانه؛ قرائتی با تحلیل گفتمان*، ج ۲، تهران: انتشارات سیمای شرق.
- بشیر، حسن (۱۳۹۲) *رسانه‌های بیگانه؛ قرابتی با تحلیل گفتمان*، ج ۳، تهران: انتشارات سیمای شرق.
- بشیر، حسن و عرفان پور، میلاد (۱۳۹۷) «تحلیل گفتمانی انتقاد اجتماعی در شعر شاعران انقلاب اسلامی»، *مجله مطالعات فرهنگ ارتباطات*، شماره چهل و یکم، دوره نوزدهم، صص ۳۰-۱.
- بهرامی، عبدالله (۱۳۶۳) *خاطرات*، تهران: انتشارات علمی.
- تبریزی، نظام‌العلماء (۱۳۱۲ ق) *حقوق دول و ملل تمدن (تحفه خاقانیه)*، تبریز: بی‌نا.
- حبیبی خوزانی، محمد (۱۳۸۸) *گفتمان مشروطه اسلامی؛ بررسی زمینه‌های پیدایش و شکل‌گیری گفتمان مشروطه اسلامی در عصر مشروطیت ایران*، تهران: انتشارات گام نو.
- خزائی، یعقوب (۱۳۹۵) *فرآیند ساخت‌یابی نهاد زندان از مشروطه تا پایان پهلوی اول*، تهران: انتشارات آگه.

- راوندی، مرتضی (۱۳۶۲) *سیر قانون و دادگستری در ایران*، تهران: نشر چشمه.
- رایجیان اصل، مهرداد (۱۳۹۲) «حقوق جنایی و جرم‌شناسی در آینه کتابچه قانونی کنت»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۶۲، صص ۷۱۴-۶۸۷.
- رستمی، اسماء (۱۳۹۵) «تجزیه و تحلیل اندیشه کیفری در ایران امیرکبیر و پسا امیرکبیر تا دوران پیش مشروطه: مطالعه مقدماتی زایش و نوزایش مدرنیته کیفری در ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تفت.
- رضاقلی، علی (۱۳۹۲) *جامعه‌شناسی نخبه کشی*، تهران: نشر نی.
- سیفی قمی (تفرشی) مرتضی (۱۳۶۲) *نظم و نظمیه در دوره قاجار*، تهران: انتشارات یساوولی (فرهنگسرا).
- طالبوف، عبدالرحیم (۱۳۴۶) *کتاب احمد، ادبیات آغاز مشروطیت*، به کوشش باقر مومنی، تهران: سازمان کتاب‌های جیبی.
- طالبوف، عبدالرحیم (۱۳۵۷) *آزادی و سیاست*، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات سحر.
- علیخانی، علی‌اکبر و همکاران (۱۳۹۰) *اندیشه سیاسی متفکران مسلمان*، ج ۹، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- غلامی، حسین (۱۳۹۵) *کیفرشناسی؛ کلیات و مبانی پاسخ شناسی جرم*، تهران: انتشارات میزان.
- فیرحی، داود (۱۳۹۸) «روشنفکری دینی و مسأله ای به نام "نص"»، *خاطرات سیاسی*، شماره ۴، صص ۱۲-۲۵.
- قائم‌نیا، علیرضا (۱۳۸۹) *بیولوژی نص*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- کاپالدی، نیکولاس (۱۳۸۳) *بتنام، میل و فایده‌گرایی*، مترجم محمد بقائی ماکان، تهران: انتشارات اقبال.
- کتابچه قانونی کنت (بی‌تا) تهران: آرشیو کتابخانه ملی.

مراغه‌ای، حاج زین العابدین (۱۳۸۴) سیاحتنامه ابراهیم بیگ، به کوشش محمد علی سپانلو، تهران: انتشارات آگه.

مستشارالدوله، میرزا یوسف خان (۱۳۶۴) یک کلمه، به کوشش صادق سجادی، تهران: نشر تاریخ.

معمد، محمدعلی (۱۳۵۱) حقوق جزای عمومی، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

نوربها، رضا (۱۳۷۵) زمینه حقوق جزای عمومی، تهران: کانون وکلای دادگستری.

یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۹۳) درآمدی به گفتمان‌شناسی، تهران: نشر کتاب هرمس.

#### ب. عربی

محلّاتی، محمد اسماعیل (۱۳۷۷) رساله اللّٰه فی وجوب المشروطه، در رسائل مشروطیت، به کوشش غلامحسین زرگری نژاد، تهران: انتشارات کویر.

#### ج. انگلیسی

Bentham, Jeremy (1948) **An Introduction to The Principles of Morals and Legislation**, New York: Hanfer Publication.

Campbell Black, Henry (2019) **Black's Law Dictionary**, Bryan A. Garner, editor, West Group Publication.

Laclau, E & C. Muff (2001) **Hegemony & Socialist Strategy**, London: Verso Publication.